

دکتر محمد امیر هیخ نوری *

اهمیت خلیج فارس در روابط بین الملل

باتوجه به این که کشورهای خلیج فارس قسمت اعظم ذخایر نفت دنیا را دارا هستند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند و جایگاه خاصی در روابط بین الملل پیدا کرده‌اند. اگر در دوران گذشته این منطقه به عنوان ارتباط دهنده آسیا و آفریقا و اروپا به حساب می‌آمد، در دنیای معاصر عاملی که وسیع تر و عمیق تر از عوامل دیگر در زمینه بهره‌مندی این منطقه از امتیازات خاص نظر محققین را بخود جلب می‌کند عبارت است از نفت. امروزه باتوجه به ارزش نفت برای کشورهای صنعتی، روابط بین الملل رانیزهای نفتی مشخص می‌کند و به عبارت دیگر مکانیسم‌های روابط بین الملل را نفت جهت می‌دهد. به گفته ریچارد نیکسون رئیس جمهور سابق آمریکا، نفت خون صنعت مدرن است و منطقه خلیج فارس قلبی است که این خون را مانند تلمبه به جریان می‌اندازد، و راه‌های دریایی پیرامون خلیج فارس، شریانهایی است که این خون حیاتی از آنها می‌گذرد.^۱

* عضو هیأت علمی دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه تبریز

۱- ریچارد نیکسون: جنگ واقعی - صلح واقعی، علیرضا طاهری، ص ۱۳۶

خلیج فارس یکی از کم عمق ترین دریا‌های دنیا است که در حاشیه غربی اقیانوس هند واقع شده و بین شبه جزیره عربستان و جنوب شرقی کشور ایران قرار دارد و به استثنای تنگه هرمز و آب‌های مجاور آن که عمق آب گاهی تا ۱۸۰ متر می‌رسد، در عمیق ترین نقطه، داخل خلیج فارس به ندرت از ۹۰ متر تجاوز می‌کند.^۱

مساحت این دریا ۲۴۰.۰۰۰ کیلومتر مربع است. طول آن از دهانه اروندرود تا تنگه هرمز که به دریای عمان می‌پیوندد قریب یک هزار کیلومتر است و منتهای عرض آن ۳۳۰ کیلومتر و کمترین پهنا ی آن ۵۵ کیلومتر در تنگه هرمز است.^۲

تحقیقات زمین شناسی دانشمندان حاکی از این است که خلیج فارس از موالید طبیعی دوره سوم معرفه الارضی بوده و در آن هنگام یعنی هزاران سال پیش وسعت و مساحتش خیلی بیش از زمان فعلی به نظر می‌رسید و شاید دو برابر عهد کنونی بوده است.^۳ در این موقع خلیج فارس به مراتب بیشتر از امروز در خاک ایران پیش آمدگی داشته است. دانشمندان عموماً معتقدند که در آغاز دوره تاریخ، یعنی تقریباً "سه هزار سال پیش از میلاد، سواحل خلیج فارس تقریباً "۲۰۰ کیلومتر بالاتر از کرانه‌های امروز و در شمال سواحل کنونی در خاک ایران گسترده بوده است. در آن زمان هنوز شط العرب تشکیل نشده بود و رودهای دجله و فرات جداگانه به دریای ریخته‌اند. امروز شط العرب بیش از ۶۰۰۰ متر مکعب در هر ثانیه به دریای ریزد و در زمین های رسوبی جاری است که پیوسته بر رسوبهای آن افزوده می‌شود و در مصب خود دلتای باتلاقی تشکیل می‌دهد، و در ساحل چپ آن قسمتی از کارون هم به آن ملحق می‌شود.

۱- محمود طلوعی: جنگ خلیج فارس و آینده خاور میانه، ص ۳۶

۲- محمد جواد مشکور: نام خلیج فارس در طول تاریخ، ص ۵

۳- صادق نشأت: تاریخ سیاسی خلیج فارس، ص ۸

معمولاً عقیده دارند که هر ۳۰ سال ۱۶۰۰ متر رسوب در دریای پایش می رود.^۱

چهار رودخانه معظم یعنی دجله و فرات و کرخه و کارون که با کمک متفرعات خود آب برفهای جبال زاگرس و ارمنستان را اخذ می کنند متفقا وارد خلیج فارس می شوند. نهرهای بزرگ دیگری که مستقلاً به خلیج فارس می ریزند عبارتند از رودخانه های جراحی و هندیان (تاب) و از آنجا گذشته سواحل خلیج فارس عموماً فاقد آب شیرین می باشد و رودخانه های کوچک دیگری که در آنجا یافت می شود همه شور و تلخ است.^۲ بنا به نوشته اصطخری در مسالک و ممالک: بزرگترین دریاها دریای پارس است و دریای روم، و این هر دو دریا برابر یکدیگر هستند. و هر دو از دریای محیط برخیزند، و درازا و پهنای دریای پارس عظیم تر است، و در آخر دریای پارس زمین چین است تا دریای فلزم،^۴ و از فلزم تا چین بر خط راست دو بیست منزل باشد و از فلزم تا عراق دوماه راه است، و از حیون تا آخر اسلام در حد فرغانه بیست و اندم مرحله. درباره نام خلیج فارس (پارس) باید گفت که با توجه به اسناد و مدارک تاریخی موجود، این منطقه به خلیج فارس معروف بوده است. برخلاف نظرات سیاستمداران کشورهای اروپایی که بعد از جنگ جهانی دوم با توجه به سیاست "تفرقه بینداز و حکومت کن" به آن خلیج عربی اطلاق می کردند.

مدارک تاریخی نشان می دهد که یونانیان قدیم دریاهای بزرگ را به

۱- سعید نفیسی: جغرافیای تاریخی خلیج فارس، مجموعه مقالات خلیج فارس، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی،

۱۳۶۹.

۲- آرنولد ویلسن: خلیج فارس، محمد سعیدی، ص ۱۱

۳- اصطخری: مسالک و ممالک، ایرج افشار، ص ۸

۴- فلزم همان بحر احمر یا دریای سرخ است.

شرح زیر تقسیم می‌کردند:^۱

- ۱) دریای متوسط یا خلیج روم (مدیترانه امروزی)
- ۲) دریای خزر
- ۳) خلیج عربی (بحر احمر یا دریای سرخ امروزی)
- ۴) خلیج فارس

این تقسیم بندی جغرافیایی رامی‌توان در آثار بسیاری از دانشمندان یونانی قبل از میلاد و بعد از میلاد مشاهده کرد. از آن جمله: در آثار طالس ملطی که حدود سالهای ۵۴۶ تا ۶۴۰ قبل از میلاد می‌زیست، آناکسی ماندرکه در سالهای بین ۵۴۶ تا ۶۱۲ قبل از میلاد زندگی می‌کرد، خصوصاً "کوسماس ایندیکوپولتس (۵۳۵ قبل از میلاد) هکاتوس (۵۰۰ قبل از میلاد) اراتوستن (۲۰۰ قبل از میلاد) و استرابن که مخصوصاً "می‌نویسد":^۲ عربها بین خلیج عرب (بحر احمر) و خلیج فارس جای دارند. بطليموس که بزرگترین عالم هیأت و جغرافیای قدیم است و در قرن دوم بعد از میلاد می‌زیست در کتاب بزرگی که در علم جغرافیایه زبان لاتین نوشته از این دریایه نام پرسیکوس سینوس (PERSICUS SINUS) یاد کرده که به معنی خلیج فارس است.

طبق مندرجات کتیبه معروف داریوش هخامنشی که پس از تسخیر مصر و صدور دستور حفر ترعه سوئز، نگاشته شده است. در آن روزگار این منطقه آبی به نام دریای پارس خوانده شده است.^۳

در دوران اسلامی^۴ در منابع نیز مورخان و جغرافی نویسان هر جا نامی از این دریایه میان آمده با عنوان "خلیج فارس" ذکر شده است.

۱- مجتهدزاده پیروز: جغرافیای تاریخی خلیج فارس، ص ۱۷

۲- مشکور محمد جواد: پیشین، ص ۸

۳- اسماعیل رائین: دریانوردی ایرانیان، ص ۱۴۱

۴- اقبال یغمایی: خلیج فارس، ص ۱۵

۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵	۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰	۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶	۹۷	۹۸	۹۹	۱۰۰
----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	-----

داریوش شاه گوید: من با پسر ستم بدتر است من مرا از تنم من فرمان خزان تر مردار و ام
 از رودخانه ای بنام نیل که در مصر جاری است دریائی که به پارس میرود پس از آن این تر خنجر
 چنانکه فرمان آدم کشیده از مصر از در سلیمان تر به سوی پارس می آید از شدت خنجر که میل من بود.

چنانکه ابوبکر احمد بن محمد معروف به ابن الفقیه در کتاب معروف خود موسوم به مختصر کتاب البلدان نام آن را بحر فارس (دریای پارس) نوشته است. ابوعلی احمد بن عمر نیز در الاعلاق النفیسه " خلیج فارس " نامیده است. ابن خردادبه در کتاب " المسالك والممالک " نسام خلیج فارس را بحر فارس آورده است.

مسعودی نیز در دو کتاب خود: مروج الذهب والتنبیه والاشراف این دریا را " دریای پارسی " نامیده است. جزاینها ابن المطهر المقدسی در کتاب تاریخ خود به نام البدء والتاریخ ، ابن حوقل در کتاب صورہ الارض ، المقدسی در کتاب احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم ، ابوریحان بیرونی در کتاب التفهیم لاوائل صناعه التنجیم، ابو عبد الله

محمد بن محمد معروف به الشریف الادریسی در کتاب نزهة المشتاق فی افتراق الافاق ، نام خلیج پارس را " دریای فارس " یا " دریای فارسی " یا " خلیج فارس " ذکر کرده اند.

از نویسندگان معاصر عرب جرجی زیدان^۱ و فیلیپ حتی^۲ در کتابهای خود کرازا " از نام خلیج فارس استفاده کرده اند و همچنین فرهنگ المنجد در مورد العربیه می نویسد:^۳

شبه جزیره فی جنوب غربی آسیا (نحو ۳،۰۰۰،۰۰۰ کم)، سکنها بین ۷ و ۱۱ میلیون، تحدها شمالا العراق والملکة الاردنیه الهاشمیه وجنوبا المحيط الهندی و خلیج عدن و شرقا " الخلیج الفارسی و بحر عمان وغربا " البحر الاحمر.

(جزیره العرب در جنوب غربی آسیا و جمعیت آن بین ۷ تا ۱۱ میلیون نفر است. از طرف شمال به عراق و اردن ، از طرف جنوب به اقیانوس هند و خلیج عدن ، از طرف شرق به خلیج فارس و از غرب به بحر احمر محدود می شود).

در مورد عمان (خلیج) المنجد می نویسد:^۴

" اضیق اجزاء هذا البحریتصل بالخلیج الفارسی بمضیق هرمز " (منطقه عمان تنگ ترین اجزای این دریا است که خلیج فارس را به تنگه هرمز پیوند می دهد).

۱- جرجی زیدان : تاریخ تمدن اسلام، ص ۷۸- ۲۴۸ - ۲۴۹ - ۲۵۳ - ۲۵۴

علی جواهر کلام، ۲۸۹- ۳۴۴- ۳۸۴- ۸۱۴- ۸۷۱- ۹۰۲

۲- فیلیپ حتی : تاریخ عرب ، صص ۱۲- ۱۸- ۲۲- ۲۴- ۳۱- ۴۷- ۶۴
ابوالقاسم پاینده ، ۲۰۲- ۲۲۵- ۲۷۰- ۴۹۰- ۵۷۰- ۸۴۶- ۸۹۲

۹۲۴- ۹۲۶- ۹۳۶

۳- المنجد فی اللغة والاعلام، ص ۳۴۳

۴- المنجد فی اللغة والاعلام ، ص ۳۵۶

استناد سعیدنغیسی در این مورد می‌نویسد: ^۱ گذشته از بزرگان و تاریخ نویسان و جغرافی نویسان که به زبان تازی همه جا بحر فارسی ... بحر الفارسی ... خلیج فارس آورده‌اند، در زبانهای دیگر آسیانیسز نام این دریا را بحر فارسی نوشته‌اند.

همچنین سعیدنغیسی نام "خلیج فارس" را از نوزده، زبان زنده دنیا استخراج کرده و به این شرح آورده است.

Parsitstsots	به زبان ارمنی
Persian Gulf	ب زبان انگلیسی
Persibkii zaliv	ب زبان روسی
Golfio Parsico	به زبان اسپانیایی
Golfeul Persic	به زبان رومانی
Persisk Golf	به زبان دانمارکی
Perski zaliv	به زبان چک
Porsiski zaliv	به زبان یوگسلاوی
Golfe Persique	به زبان فرانسه
Persischer Golf	به زبان آلمانی
Golfo Persico	به زبان ایتالیایی
Perzische Golf	به زبان هلندی
Baher Fars	به زبان هندی
Persiste Habbugt	به زبان نروژی
Persiska vikem	به زبان سوئدی
Perza obol	به زبان مجاری
Porucha wan	به زبان ژاپونی
Alkh alij al-alfarsi	به زبان عربی
Persikon kaitas	به زبان لاتین

باتوجه به این همه اسناد و مدارک تاریخی، آوردن نام خلیج عربی به جای خلیج فارس کاریست غیرعلمی و مطرود که برای اولین بار توسط یکی از نمایندگان سیاسی انگلستان به نام سرچارلز بلگریو^۱ در کتابی که در سال ۱۹۶۶ چاپ شد مطرح گردید. بلگریو در کتاب خودش این چنین آغاز سخن کرده است:^۲

"... خلیج فارس که تا زبان اینک آن را خلیج عربی گویند...."

بلافاصله پس از انتشار این کتاب، کشورهای عربی منطقه هم که همگسی تحت سلطه و قیمومت کشور انگلستان قرار داشتند، استفاده از خلیج عربی را به جای خلیج فارس آغاز کردند و این هدف انگلستان بود که در موقع خروج از منطقه، محیطی آکنده از تشنج و جوی تحریک آمیز ایجاد کند تا بتواند به بهره داری خود ادامه دهد.

در دوران استعمار اروپایی، قبل از کشف نفت، ارزش این منطقه بخاطر ارتباطی بود که با هندوستان برقرار می کرد. پس از آن که انگلستان بر هندوستان تسلط پیدا می کند، اهمیت استراتژیکی منطقه افزایش می یابد و جایگاه و امتیاز ویژه ای از این بابت برای خود در روابط بین الملل کسب کند. به طوری که در سال ۱۸۹۸ میلادی لرد کروزن مغز متفکر استعماری انگلستان در خصوص وضعیت خلیج فارس اظهار می دارد که خلیج فارس باید به یک دریاچه بریتانیایی تبدیل گردد.^۳ برای رسیدن به این هدف - مانده هم - موارد مشابه - در این مورد نیز ازل شکرده های اغفال عموم و حربیه افترا مورد استفاده قرار گرفت. در روزنامه انگلیسی زبان هندی "تایمز آف ایندیا" که در آن زمان کاملاً تحت سلطه کروزن بود یک سلسله مقالات تحریک آمیز منتشر شد.^۴

۱- SIR CHARLES BELGRAVE

۲- سید احمد مدنی: محاکمه خلیج فارس نویسان، ص ۱۵

۳- اسکندر دلدم: سلطه جویان و استعمارگران در خلیج فارس، ص ۵

۴- سیدعلی موسوی: خلیج فارس در گذر زمان، ص ۱۴۶

باکشف نفت در ایران و سایر نقاط خلیج فارس، این منطقه کسبه تا قبل از آغاز قرن بیستم فقط به عنوان یک آبراه تجارتي و نظامی مورد توجه بود، اهمیت بیشتری یافت. با توجه به اهمیت نفت در اقتصادهای صنعتی و به گردش درآوردن چرخهای ماشین های صنعتی، بر اهمیت این منطقه به عنوان دارنده بزرگترین ذخایر نفتی دنیـا افزوده شد و از این تاریخ به بعد مسائل سیاسی - اجتماعی و اقتصادی منطقه موضوع بانفت گره می خورد. در باب سهم نفت و گاز طبیعی نسبت به کل تولید انرژی لازم به یادآوری است که در سال ۱۹۲۰، ۱۲ درصد و در نیمه دهه ۱۹۳۰، ۳۶ درصد و پس از جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۸ ۳۶ درصد انرژی را تأمین می نمود. از آن زمان به بعد نیز این سهم تولید روبه افزایش بوده است، چنانکه تا سال ۱۹۷۰ تقریباً ۷۰ درصد از کل نیاز انرژی غرب را نفت و گاز طبیعی تأمین می کرد.^۱ طی دودهه ۱۹۵۰ و ۱۹۷۰ شاهد سریع ترین رشد در کاربرد انرژی تجاری بوده ایم. ظـرف دودهه بین سالهای ۱۹۵۰ و ۱۹۷۰، مقدار انرژی استفاده شده تقریباً " به سه برابر بالغ گردید و میانگین رشد سالانه به ۵/۴ درصد رسید. در همان حال، رشد اقتصادهای کشورهای صنعتی تقریباً " معادل ۵ درصد بوده است. سالهای مورد بحث، دوره وفورنفت ارزان قیمت بود و تقاضای برای نفت رشدی معادل ۸ درصد داشت که نمی توان گفت تصادفی بوده است (طبق جدول های صفحه بعد)^۲

۱- بیومونت و جرال: خاورمیانه، مدیرشانه چی، رمضان زاده، آخشینی،

بلیک و استاف ص ۳۴۴

۲- حمیدی یونسی علیرضا (مترجم):

بررسی تقاضا برای انرژی در درازمدت،

فصلنامه "بررسی های بین المللی نفت"

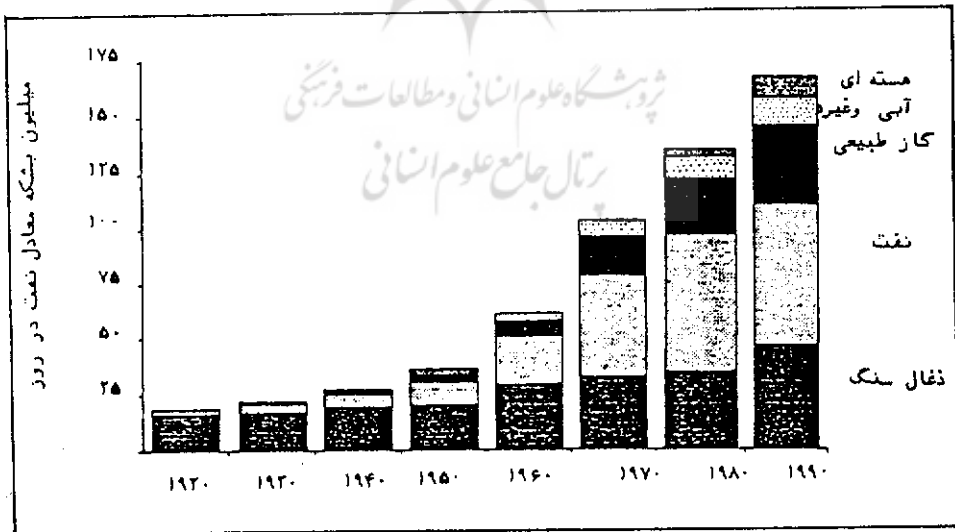
شماره ۴-۳، پائیز و زمستان ۱۳۷۱،

ناشر وزارت نفت.

تقاضا برای انرژی تجاری. میانگین افزایشهای سالانه. به (درصد)

۴/۵	۱۹۰۰	تا	۱۸۶۰
۴/۶	۱۹۱۳	تا	۱۹۰۰
۴/۸	۱۹۲۹	تا	۱۹۲۱
۱/۷	۱۹۳۹	تا	۱۹۳۰
۵/۴	۱۹۷۰	تا	۱۹۵۰
۲/۹	۱۹۸۰	تا	۱۹۷۰
۲	۱۹۹۰	تا	۱۹۸۰

: تقاضای جهانی برای انرژی قابل تجارت ۱۹۲۰-۱۹۹۰



باتوجه به نیاز مبرم کشورهای صنعتی به نفت و عدم ذخایر نفتی در آن کشورها و وجود ذخایر و منابع عظیم نفتی در خلیج فارس، دخالت ها در منطقه شدت بیشتری می یابد تا جایی که مرزبندیهای سیاسی باتوجه به منابع نفتی تعیین می شود.

قبل از کشف نفت مرزهای سیاسی کشورهای حاشیه خلیج فارس مبهم و نامشخص بود. چنانکه سرروپرت هی^۱ فرستاده سیاسی انگلستان در این مورد می نویسد: ^۲ قبل از ظهور نفت، کویرهای کشورهای حاشیه خلیج فارس به دلایل بسیاری شبیه به دریاهاى آزاد بود. بادیه نشینان و شتران آنها در این وادی به دلخواه طی طریق می کردند، با وجود آن کسه محدوده های قبیله ای مبهمی وجود داشت، کمتر نشانه ای از اقتدار دولت استواری خارج از بنادر و واحدها به چشم می خورد.

در حقیقت قلمرو حاکمیت شیوخ و دولت های حاشیه خلیج فارس در محدوده به اصطلاح "مرزهای مصلحتی" با ترسیم خطوط مبهم مشخص می شد و تنها محدوده، استقرار قبیله ها ملاک تعیین مرزها محسوب می شد. حکمرانان سنت گرا و روسای قبایل این منطقه چندان فایده ای در ترسیم خطوط مجازی در پهنه کویرها و شنزارها نمی دیدند. آنچه در این وادی بی آب و علف مهم به حساب می آمد، وجود چاه و چشمه آب در واحدهای کوچک با چند نخل خرما بود.^۳

این مداخلات و امتیازات از آن جانشینی می شود که خلیج فارس ۵۶۵ میلیارد بشکه نفت را که معادل ۶۳ درصد کل ذخایر نفتی شناخته شده جهان است و ۳۰/۷ تریلیون متر مکعب گاز طبیعی که برابر

۱- SIR RUPERT HAY

۲- علی اصغر کاظمی: ایجاد حقوقی حاکمیت ایران در خلیج فارس،

ص ۳

۳- همــان ، ص ۳

۲۸/۵ درصد کل ذخایر شناخته شده گاز دنیا است دارامی باشد^۱ و با ایسـن مقدار ذخایر، بزرگترین و مهم ترین انبار انرژی جهان محسوب می شود. ضمناً نوع دیگری از گاز طبیعی جدا از نفت خام، از منابع استخراج می گردد که کنترل تولید آن سهل تر است. منابع شناخته شده این نوع گاز در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس بسیار عظیم و پراهمیت به نظرمی رسند. برخی تحلیل گران مقدار آن را تا ۲۵ درصد کل منابع گاز جهان تخمین زده اند. از جمله اکثر منابع شناخته شده جدید در قطر، امارات متحده عربی و بحرین قرار دارند. با این حال تاکنون هیچ گونه ارقام دقیقی انتشار نیافته است.^۲

توزیع ذخایر نفتی در خلیج فارس (به میلیارد بشکه) در سال ۱۹۸۷^۳

نام کشور	ذخایر شناخته شده	درصد سهم جهانی
عربستان سعودی	۱۶۷	۱۸/۶
عراق	۱۰۰	۱۱/۲
ایران	۹۲/۹	۱۰/۴
ابوظبی	۹۲/۲	۱۰/۳
کویت	۹۱/۹	۱۰/۳
منطقه بیطرف	۵/۲	۰/۶
دوبی	۴	۰/۴
عمان	۴	۰/۴
قطر	۳/۲	۰/۳
دیگران	۲/۶	۰/۳
جمع	۵۶۳	۶۳

۱- پیروز مجتهدزاده: کشورهای و مرزها در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس،

حمیدرضا ملک محمدی نوری، ص ۳

۲- اتیف کوبوسی: نفت، صنعت و توسعه در کشورهای شورای همکاری

خلیج فارس، نشر قوس، ص ۴

۳- پیروز مجتهدزاده: پیشین، ۵۳

خلیج فارس به جهت داشتن نفت حدوداً " ۳۰ درصد گاز طبیعی شناخته شده جهان، پس از کشورهای متحده مشترک المنافع (شوروی سابق) کسه ۳۹/۸ درصد کل ذخایر گاز دنیا را در اختیار دارد، دومین منطقه بزرگ ذخایر گاز به شمار می آید (طبق جدول زیر).^۱

توزیع ذخایر گاز در خلیج فارس (به تریلیون مترمکعب)

درسال ۱۹۸۷^۲

نام کشور	ذخایر گاز طبیعی	درصد سهم جهانی
ایران	۱۳/۹	۱۲/۹
ابوظبی	۵/۲	۴/۸
قطر	۴/۴	۴/۱
عربستان سعودی	۴	۳/۷
کویت	۱	۱
عراق	۵/۷	۰۷
دوبی	۵/۲	۰۱/۵
بحرین	۵/۲	۰۲
دیگران	۱/۱	۱
جمع	۲۵/۷	۲۸/۵

امروزه تحلیل گران برایین عقیده اند که اقتصاد کشورهای صنعتی همچنان به نفت وابسته خواهد ماند. چراکه برنامه های جایگزینی انرژی صورت گرفت باشکست روبرو گردید. یکی از این برنامه های جایگزینی، استفاده از نیروی اتم می باشد که با توجه به هزینه، معتنا به و خطرناک بودن

۱- همان ، ص ۵۵

۲- پیروز مجتهدزاده : پیشین ، ص ۵۵

زباله‌های اورانیوم و نیز محدود بودن معادن مواد اورانیوم نتوانست جایگاهی برای خود بدست آورد. هرچند تبلیغات زیادی از نظر سیاسی در این مورد به عمل می‌آید که اتم جانشین نفت می‌شود.

باتوجه به آمارهای موجود در صد مصرف انرژی ایالات متحده امریکا در سال ۱۹۷۰، ۵/۱ درصد از اتم بود که در سال ۱۹۸۸ به ۶/۸ درصد رسید در حالی که نفت و گاز در سال ۱۹۷۰، ۵/۷۶ درصد مصرف انرژی امریکا در سال ۱۹۸۹، ۵/۶۵ درصد آن را تشکیل می‌داد.

در مورد اروپای غربی و ژاپن نیز وضع به همین منوال می‌باشد چنانکه مصرف انرژی اروپای غربی در سال ۱۹۸۷، ۶۱/۱ درصدش از نفت و گاز و ۱۰/۸ درصدش از اتم تأمین می‌شد و ۶۴/۸ درصد مصرف انرژی ژاپن را نفت و گاز و ۱۲/۲ درصدش را اتم تشکیل می‌داد.

این درصدها در مورد استفاده از زغال سنگ، انرژی خورشیدی و آب (هیدروالکتریک) نیز صادق است. در نتیجه با توجه به ذخایر انبساط‌پذیر و روبه‌تمام منابع نفتی کشورهای خارج از محدوده خلیج فارس ایمن منطقه به عنوان یکی از مهمترین مناطق ژئوپلیتیکی دنیا درآمده است. اشغال کویت توسط عراق و بسیج عمومی کشورهای صنعتی خود دلیلی دست بر اثبات این مدعا.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

ذخایر نفت جهان در مناطق مختلف ۱۹۸۵^۱

سهم کل ذخایر نفتی	ذخایر فعلی نفت (میلیارد بشکه)	نام مناطق
۶ درصد	۴۳	امریکای شمالی
" ۱۲	۸۴	امریکای لاتین
" ۴	۲۶	اروپای غربی
" ۸	۵۶	افریقا
" ۵۶	۳۹۸	خاورمیانه
" ۹	۶۱	شوروی
" ۳	۱۸	چین
" ۱	۴	شبه قاره هند
" ۳	۱۸	بقیه جهان
۱۰۰ درصد	۷۰۸	جمع

باتوجه به آمار فوق کشورهای مثل امریکای شمالی، اروپای غربی، شوروی، ۱۹ درصد کل ذخایر نفتی را در اختیار دارند در صورتی که ۵۲ درصد تقاضای جهانی را بر طبق آمار جدول زیر به خود اختصاص داده اند، که اگر ژاپن و کانادا را هم به این آمار اضافه کنیم، حدود ۶۰ درصد تقاضای جهانی متعلق به کشورهای صنعتی می باشد.

۱- لسטר، آر. براون: جهان در آستانه سال ۲۰۰۰، مهرسیمافلسفی،

مناطق عمده تقاضا. انرژی قابل تجاری ۱۹۹۰^۱

درصد تقاضای جهانی	درصد جمعیت جهان	انرژی سرانه (بشکه معادل نفت)	کل تقاضا برای انرژی (میلیون بشکه در روز معادل نفت)	ده کشور بزرگ مصرف کننده انرژی تجاری
۲۲	۵	۵۸	۳۹/۹	امریکا
۱۷	۵	۳۵	۲۷/۵	شوروی
۸	۲۱	۵	۱۳/۸	چین
۵	۲	۲۶	۸/۸	ژاپن
۲	۲	۳۲	۶/۹	آلمان
۳	۰/۵	۷۰	۵/۲	کانادا
۳	۱	۲۷	۴/۲	انگلستان
۳	۱	۲۷	۴/۱	فرانسه
۲	۱۶	۲	۳/۸	هند
۲	۱	۱۹	۳/۱	ایتالیا
				ده کشور بزرگ در حال توسعه مصرف کننده انرژی
	۲۱	۵	۱۳/۸	چین
	۱۶	۲	۳/۸	هند
	۲	۹	۲/۲	مکزیک
	۰/۳	۴	۱/۷	برزیل
	۰/۷	۱۶	۱/۶	آفریقای جنوبی
	۰/۹	۱۱	۱/۴	کره جنوبی
	۰/۲	۳۰	۱/۳	عربستان سعودی
	۰/۹	۹	۱/۲	ایران
	۰/۷	۱۱	۱/۰	آرژانتین
	۰/۴	۱۷	۰/۹	ونزوئلا

کارشناسان کشورهای صنعتی از مدت‌ها قبل از جنگ جهانی دوم این وضعیت را پیش بینی می‌کردند و به دولت‌ها هشدار داده بودند که منابع نفتی آنها روز به روز کاهش می‌یابد.

۱- حمیدی یونسی علی‌رضا (مترجم): بررسی تقاضا برای انرژی در درازمدت،

فصلنامه "بررسی‌های بین‌المللی نفت" شماره ۳۴، پاییز و زمستان ۱۳۷۱، ناشر وزارت نفت

در گزارشی که جان اروین معاون وزارت امور خارجه امریکابه کمیته مسائل داخلی مجلس نمایندگان امریکادر ۱۰ آوریل ۱۹۷۲ تسلیم کرده این نکته مهم را متذکر می شود که: ^۱ ارقام در تولیدات داخلی نفت نشان می دهد که ایالات متحده در تولید نفت به اوج خود رسیده است و روند تولید کشور روبه کاهش می رود. اکثر برآوردها حاکی از این است که تولید نفت ایالات متحده تا سال ۱۹۸۰ به ۱۲ میلیون بشکه در روز خواهد رسید. از این مقدار ۲ میلیون بشکه در دامنه های شمالی آلاسکا تولید خواهد شد. در همین حال تقاضا از سطح ۱۶ میلیون بشکه در روز به ۲۴ میلیون بشکه در روز خواهد رسید. بنابراین امریکاناچار خواهد شد حدود ۵۰٪ از نیازهای نفت خود را در پایان دهه ۱۹۸۰ از خارج وارد کند.

جان اروین اضافه می کند تقاضای مصرف اروپا نیز در پایان این دهه دوبرابر خواهد شد. مصرف نفت اروپا در سال ۱۹۸۰ از سطح ۱۲ میلیون بشکه در روز سال ۱۹۷۰ به ۲۴ میلیون بشکه خواهد رسید. مصرف ژاپن بیش از اینها خواهد بود. مصرف این کشور در سال ۱۹۸۰ از سطح ۳/۸ میلیون بشکه در روز سال ۱۹۷۰ به ۱۰ میلیون بشکه خواهد رسید. ویلیام راجرز وزیر امور خارجه امریکادر گزارشی مربوط به سال ۱۹۷۲ راجع به انرژی می نویسد: ^۲

در طی دودهه آینده چهار مسئله عمده در روابط خارجی ما تأثیر با اهمیت خواهد داشت. این مسائل در تمام کشورهای عمده مصرف کننده انرژی نیز موضوع مورد توجهی شده است.

این چهار مسئله عبارتند از:

- ۱- افزایش بیش از حد مصرف نفت جهان
- ۲- تمرکز روزافزون ذخایر با اهمیت نفت در تعداد کمی از کشورها

۱- رئیس طوسی رضا: نفت و بحران انرژی، ص ۵۱

۲- رئیس طوسی رضا: پیشین، ص ۵۴

- ۳- تغییر روابط بین تولیدکنندگان ، مصرف کنندگان و کمپانیها
- ۴- پدیدار شدن ایالات متحده به عنوان وارد کننده، روزافزون نفت راجرز به مشکل تدارک انرژی متحدین امریکانیزا اشاره کرده می نویسد:^۱
- متحدین مانیز که وارد کننده نفت هستند نگران تأمین رضایت بخش نفت، به اندازه ای که بتواند پاسخگوی نیازهای آنها در دهه های آینده باشد، هستند. این نگرانی حساس و با اهمیت است. ما باید آن را خیلی جسدی بگیریم زیرا وارد عصر جدید دیپلماسی چند ملیتی می شویم. در نتیجه این هشدارها و نیازهای نفتی، کشورهای صنعتی و بخصوص ایالات متحده امریکا در صدد تدوین و اجرای یک سلسله سیاستهایی در مورد نفت بر می آید. در جهت تحقق این سیاست در تابستان ۱۹۷۳ جوزف سیکو^۲ معاون وزارت خارجه امریکا در امور آسیای جنوبی و شمالی، طی نطقی در برابر کمیته امور خارجی، با اشاره به خلیج فارس گفت:^۳ "..... خلیج فارس منطقه ای است که امریکا، منافع بسیار بسیار تعیین کننده ای از لحاظ سیاسی، اقتصادی و استراتژیک در آن دارد." سیکو در این نطق فرد علایق امریکاراد در منطقه این چنین تشریح کرد:
- ۱- حل مسائل موجود و سایر اختلافات بین مناطق ساحلی کشورهای منطقه از طریق مسالمت آمیز و تلاش در جهت یافتن راهی هموارتر و بهتر برای ارتباط این کشورها با یکدیگر
- ۲- حمایت از امنیت جمعی منطقه ای - بومی، کوشش برای ثبات منطقه و تشویق و ترویج پیشرفتها، بدون دخالت خارجیان
- ۳- دسترسی مداوم به ذخایر نفتی خلیج فارس با قیمت های مناسب بمنظور رفع احتیاجات روزافزون امریکا و کشورهای دوست و متحدان در اروپا و آسیا

۱- رئیس طوسی رضا : پیشین، ص ۵۵

۲- JOSEPH SISCO

۳- امیل . نخله : روابط امریکا و اعراب در خلیج فارس، کسارو،

۴- توسعه روابط مالی و تجاری امریکا با کشورهای منطقه

جهت تأمین نیاز نفتی شدید کشورهای صنعتی ، پس از انقلا ب اسلامی در ایران ، کارتر ، رئیس جمهور سابق امریکا اعلام می کند: ^۱ " هر نوع تلاش نیروهای خارجی به منظور تسلط بر منطقه خلیج فارس به عنوان تجاوزی به منافع حیاتی ایالات متحده امریکا تلقی می شود و چنین تجاوزی با هر شیوه ، ضروری ، از جمله نیروهای نظامی ، دفع خواهد شد."

این دیده که به دکتترین کارتر معروف گردید پایه و اساس تشکیل نیرویی گردید تحت عنوان نیروی واکنش سریع ^۲ که یکی از وظایف این نیرو " حفظ سلطه بر بازارهای خارجی ، منابع انرژی و سایر منابع حیاتی " بود. ^۳ با شروع جنگ ایران و عراق ایالات متحده امریکا استراتژی خود را در خلیج فارس به ترتیب زیر اعلام کرد: ^۴

- ۱- دسترسی به نفت خلیج فارس و آزادی تردد کشتی ها
 - ۲- جلوگیری از توسعه طلبی شوروی در حوزه خلیج فارس
 - ۳- حفظ روابط تجاری - اقتصادی و دیپلماسی با کشورهای منطقه
- به نوشته مایکل تانز در مورد نقش نفت در روابط بین الملل ، هر جایی که مشاوری برای سیاست ملی فرا خوانده می شود مطمئنا " این اقدام موقعیت و قدرت نفت در جامعه تجاری به حساب می آید. ^۵

۱- پائول جابر ، گری سبک و دیگران: منافع قدرتهای بزرگ در خلیج فارس ،

مجید قهرمانی ، ص ۳۸

۲- R.D.F.RAPID DEPLOYMENT FORCES

۳- همایون الهی : خلیج فارس و مسائل آن ، ص

۴- عزت الله عزتی : ژئوپلیتیک ، ص ۱۹۲

۵- مایکل تانزور : بحران انرژی ، مبارزه جهانی برای کسب

قدرت و ثروت ، محمود ریاضی ، ص ۳۹

نتیجه :

درباب اهمیت و جایگاه خلیج فارس در روابط بین الملل همیمن بس که کمتر روزی است که در اخبار و بحث های کشورهای صنعتی سخنی از خلیج فارس به میان نیاید. این اهمیت بخاطر ذخایر عظیم نفت و گاز منطقه و نیاز آنها به این ماده خام است.

کشورهای منطقه با داشتن این ماده حیاتی یعنی طلای سیاه باید سعی کنند که از حالت انفعالی درآمده و با اقتصاد جهانی برخورد فعال نمایند. تاریخ دوده گذشته نشان داده است که اگر رفتار سیاسی کشورهای منطقه در این زمینه از اتفاق نظر برخوردار باشد، این کار غیرممکن نیست. تشکیل اوپک در سال ۱۹۶۰ یکی از این موارد می باشد. با تمام تلاشی که کمپانیهای نفتی نسبت به درهم شکستن این اتحاد داشتند موفق نشدند. کمپانیها ابتدا رسماً "اعلام کرده بودند که ما تشکیلاتی را بنام اوپک به رسمیت نمی شناسیم و با آن مذاکره نخواهیم کرد و حاضریم باتک تک کشورهای تولیدکننده درباره مسائل نفتی گفتگو نمائیم و بدین ترتیب از به رسمیت شناختن این سازمان طفره می رفتند. اما با توجه به اتحاد کشورهای تولیدکننده، کمپانیها مجبور شدند به مذاکره با این سازمان تن بدهند و از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ قیمت نفت همان قیمتی بود که اوپک آن را معین کرده بود.

استفاده از اسلحه نفت نیز در دهه ۷۰ به دنبال تحریم نفتی ۱۹۷۳، بار دیگر این ادعا را ثابت کرد که کشورهای تولید کننده با توجه به نیاز روز افزون کشورهای صنعتی می توانند از حق خود دفاع نمایند و نگذارند که کشورهای استعماری همچنان به غارت آنها ادامه دهند.

تجربه چند قرن گذشته و همچنین رویدادهای فعلی مبین آن است که توسعه با استعمار و از طریق استعمار امکان پذیر نیست و مهم ترین اقدام قطع وابستگی و بخود متکی بودن است. آن وقت است که کشورهای جهان سوم و بخصوص کشورهای نفت خیز می توانند با توجه به امکانات عظیمی که دارند توسعه یابند.

و این مطلبی است در خورتأمل و تعمق که اگر کشورهای منطقه بتوانند رقابت ها و اختلافات داخلی خود را کنار بگذارند و با اتحاد و همکاری کنترل نفت را در اختیار بگیرند می توانند از آن به عنوان عامل توسعه منطقه استفاده کرده و جایگاه ویژه خود را در روابط بین الملل تثبیت نمایند.

به عقیده هانس مورگانتا* موفقیت در بدست آوردن امنیت جمعی در صورتی امکان پذیر است که تمام کشورهای عضو، حتی در صورت تهدید امنیت یکی از کشورهای عضو، مشترکاً از وضع موجود دفاع کنند. و آنچه امنیت جمعی ایجاب می کند آن است که هر کدام از کشورها خودخواهی ملی و سیاستهای ملی خود را که در خدمت منافع تک تک آنهاست رها کنند.

بطور کلی، مورگانتا سه شرط عمده را برای ایجاد و موفقیت در کسب امنیت جمعی در نظر می گیرد:

- ۱- امنیت جمعی باید قادر به بسیج بموقع چنان قدرت نظامی باشد که به هنگام حمله، دولت‌های مورد تهاجم بتوانند در مقابل مهاجم یا مهاجمان ایستادگی کنند تا بدین ترتیب وضع موجود حفظ گردد. (در واقع این شرط "عامل بازدارندگی" رایجی از اصول بسیار مهم برای حفظ وضع موجود می‌داند: "ترس از واکنس بموقع و مشترک باعث خواهد گردید که مهاجم و مهاجمان بالقوه هرگز جرئت برهم زدن وضع موجود را به ذهن خود راه ندهند")
- ۲- تمام کشورهای شرکت کننده در امنیت جمعی باید دریافت مشترکی از مفهوم امنیت داشته باشند

۱- منصور رحمانی: دورنمای یک امنیت جمعی در خلیج فارس، مجله سیاست خارجی، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی،

شماره ۲-۱- بهار و تابستان ۱۳۶۹

* HANS. MORGENTHAU

۳- کشورهای عضو باید آن دسته از منافع سیاسی ملی خود را که موجبات جدایی و شکاف بین آنها را فراهم می‌کنند تابع منافع مشترک کل کشورها کنند.

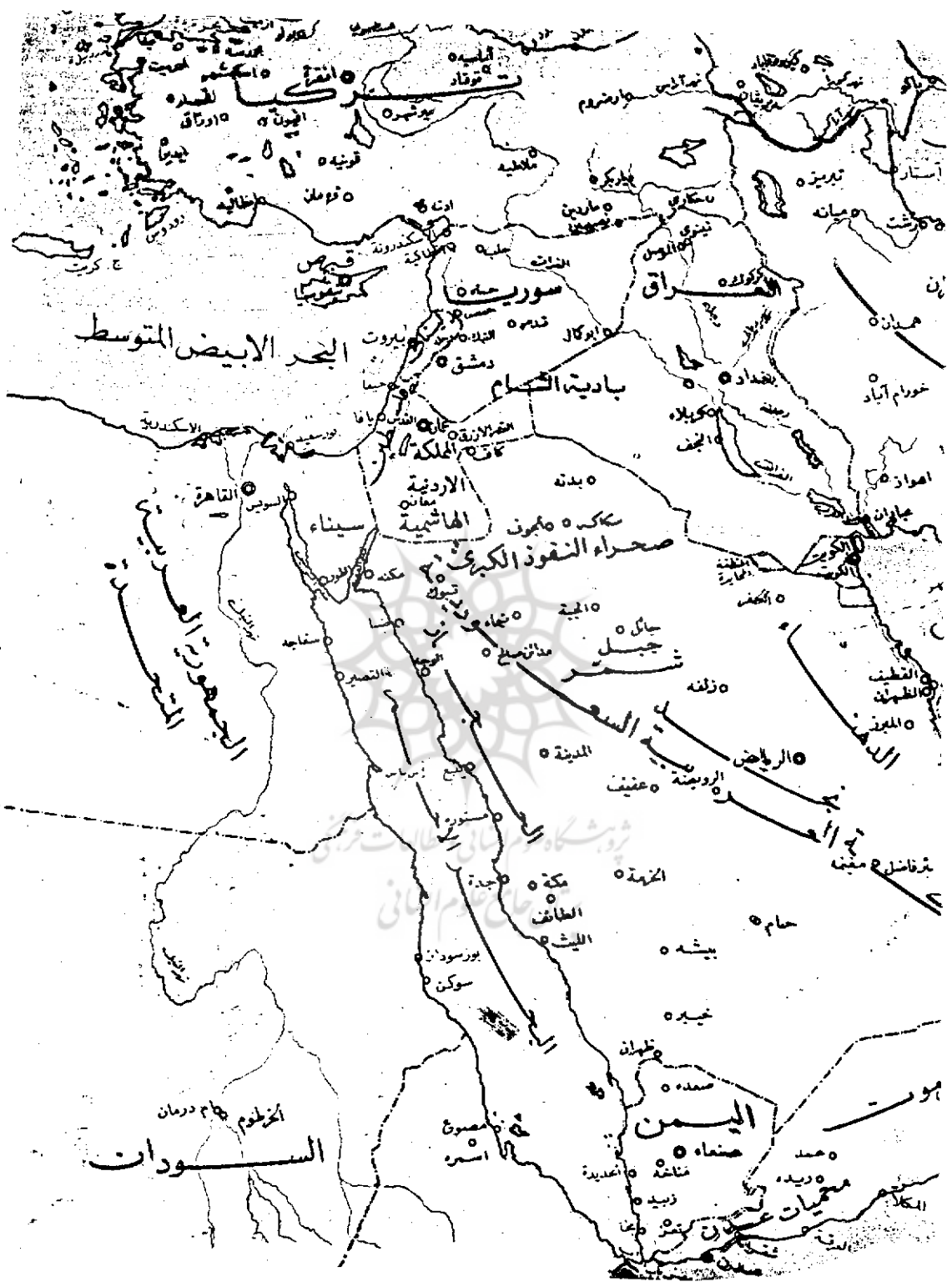


پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع:

- ۱- مجتهدزاده پیروز: جغرافیای تاریخی خلیج فارس، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۴، ۷۲ ص.
- ۲- مشکور محمدجواد: نام خلیج فارس در طول تاریخ، تهران، وزارت اطلاعات و جهانگردی، ۱۳۵۳، ۶۷ ص.
- ۳- یغمایی اقبال: خلیج فارس، تهران، وزارت فرهنگ و هنر، ۱۳۵۲، ۱۴۹ ص.
- ۴- الهی همایون: خلیج فارس و مسائل آن، تهران، اندیشه، ۱۳۶۸، ۳۵۰ ص.
- ۵- امیل. نخله: روابط آمریکا و اعراب در خلیج فارس، کارو، تهران، سروش، ۱۳۵۹، ۱۱۹ ص.
- ۶- کاظمی علی اصغر: ابعاد حقوقی حاکمیت ایران در خلیج فارس، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۶۸، ۲۴۹ ص.
- ۷- مجتهدزاده پیروز: کشورها و مرزها در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس، حمیدرضا ملک محمدی نوری، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۲، ۲۴۹ ص.
- ۸- ویلسن آرنولد: خلیج فارس، محمد سعیدی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۸، ۳۳۰ ص.
- ۹- نشأت صادق: تاریخ سیاسی خلیج فارس، تهران، شرکت نسبی قانون کتاب، ۱۳۴۴، ۶۸۱ ص.
- ۱۰- ابواسحق ابراهیم اصطخری: مسالك وممالك، به اهتمام ایرج افشار، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی تهران، ۱۳۶۸، ۳۵۶ ص.
- ۱۱- رائین اسماعیل: دریانوردی ایرانیان، تهران، جاویدان، ۱۳۵۶، ۵۶۱، جلد اول.
- ۱۲- مدنی سیداحمد: محاکمه خلیج فارس نویسان، تهران، توس، ۱۳۵۷، ۱۶۶ ص.

- ۱۳- زیدان جرجی : تاریخ تمدن اسلام، علی جواهرکلام، تهران، امیرکبیر، ۱۳۴۵، ۱۰۹۰ ص.
- ۱۴- حتی فیلیپ : تاریخ عرب، ابوالقاسم پاینده، تبریز، کتابفروشی حقیقت، ۱۳۴۴، ۱۰۰۹ ص.
- ۱۵- موسوی قمی سیدعلی : خلیج فارس درگذر زمان، نبوت، ۱۳۶۶، ۱۹۱ ص.
- ۱۶- دلدن اسکندر : سلطه جویان و استعمارگران در خلیج فارس، تهران، نوین، ۱۳۶۳، ۳۷۴ ص.
- ۱۷- طلوعی محمود : جنگ خلیج فارس و آینده خاورمیانه، تهران، انتشارات تهران، ۱۳۷۰، ۳۰۸ ص.
- ۱۸- رئیس طوسی رضا: نفت و بحران انرژی، تهران، کیهان، ۱۳۶۳، ۲۲۴ ص.
- ۱۹- تانزر مایکل : بحران انرژی، مبارزه جهانی برای کسب قدرت و ثروت، محمود ریاضی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲، ۱۷۴ ص.
- ۲۰- نیکسون ریچارد : جنگ واقعی صلح واقعی، علیرضا طاهری، تهران، کتاب سرا، ۱۳۶۴، ۶۶۴ ص.
- ۲۱- کوبوسی اتیف : نفت، صنعت و توسعه در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، گروه مترجمین نشر قومس، تهران، ۱۳۶۹، ۱۷۰ ص.
- ۲۲- لستر. آر. براون: جهان در آستانه سال ۲۰۰۰، مهرسima فلسفی، تهران، سروش، ۱۳۶۹، ۳۶۲ ص.
- ۲۳- پائول جابر، گری سیک و دیگران : منافع قدرتهای بزرگ در خلیج فارس، مجید قهرمانی، تهران، نشر سفیر، ۱۳۷۰، ۸۲ ص.
- ۲۴- عزتی عزت الله : ژئوپولیتیک، تهران، سمت، ۱۳۷۱، ۱۹۹ ص.
- ۲۵- بیومونت - جرال دبلیک و استاف : خاورمیانه، مدیرشانه چسی، رمضان زاده، آخشینی، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹، ۶۵۶ ص.



البحر الابيض المتوسط

سوريا

العراق

بادية الشام

الأردنية الهاشمية

صحراء النفوذ الكبرى

الجزيرة العربية

الرياض

المنامة

اليمن

السودان

صنعاء

البحرين

قطر

الكويت

عمان

عُمان

